



هر نفس تازه گلی زیب کنارست مرا	۱	دایم از جوشِ سخن، جوشِ بهارست مرا
کمرِ وحدتِ من نیست به جز حلقهٔ فکر	۲	چون سرِ غنچه به زانو سر و کارست مرا
نامِ منصورِ من از فکڑ بلندی گیرد	۳	سرِ زانوی تأمل، سرِ دارست مرا
می چکد خون چو کباب از سخنِ رنگینم	۴	سینه از ناخنِ اندیشه فگارست مرا
رویِ دل بر سرِ گفتار مرا می آرد	۵	هر چه جز دل بود آینهٔ تارست مرا
چون شرر نیست مرا کار به هر تردامن	۶	صحبتِ سوختگان باغ و بهارست مرا
سایهٔ شهر بود بر دلِ من کوهِ گران	۷	دامنِ دشتِ جنون، دامنِ یارست مرا
می شود از نفسِ صبح، چراغم خاموش	۸	صیقلِ آینهٔ دل، شبِ تارست مرا
نیست در آینه‌ام نقشِ دگر جز رخِ دوست	۹	چشم بر هر چه فتد رویِ نگارست مرا
نکند دایرهٔ عیش مرا بی پرگار	۱۰	نقطهٔ دل که چو مرکز به قرارست مرا
ساغری در خورِ من نیست درین میکده‌ها	۱۱	ورنه تسبیحِ ریا حلقهٔ مارست مرا
گرچه پُر گل بود از گریهٔ من دامنِ دشت	۱۲	رزق، چون آبله از نِشترِ خارست مرا
می توانم به دغا کرد حریفان را مات	۱۳	مانعِ راهزنی، راهِ قمارست مرا
آه ازان روز که از پرده برآید صائب	۱۴	نغمه‌هایی که گره در رگِ تارست مرا

وزن: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعطن (رمل مثنی مخبون محذوف)

منابع:

۱- وبسایت گنجور:

[صائب تبریزی « غزل شماره ۵۱۵ - هر نفس تازه گلی زیب کنارست مرا](#)

۲- کتاب دیوان صائب تبریزی - جلد اول - به کوشش محمد قهرمان

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۴



خانقاه خاکسار جلالی مطهری
Khaksar Khanqah

تنظیم و ارائه: وبسایت خانقاه خاکسار مطهریه